

چگونه سازمان مجاهدین رجوی سوخت و چرا

نوشتار حاضر توسط یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق بمنظور روشنگری پیرامون پاره‌ای عملکردهای باورنکردنی رهبری تام‌الاختیار این جریان تهیه گردیده‌است.

تلاشی در جهت زنگار زدایی از مبارزات ضد ارتجاعی و ضد دیکتاتوری ملت ایران برای نیل به آزادی و دموکراسی و تأکیدی است بر اصالت و حقانیت مبارزه مبتنی بر اراده خلق. آگاهی‌های همه‌جانبه‌ای اقشار ملت تضمین دموکراسی و حاکمیت قانون و رشد و اعتلای میهن و اخگری است بر تار و پود هر نوع انحصار طلبی، تنگ‌نظری، دیکتاتوری، ارتجاع و تفکر رهبری پرستی رجوی نیز مانند آخوندهای مرتجع و دیکتاتور از آهک‌ها شدن مردم بر افکار و اعمال پشت پرده‌اش بیم دارد و لذا برای افشاء کنندگان ادعاهایش تحت عنوان "انقلابات ایدئولوژیک" حکم اعدام قائل می‌شود. وی تلاش میکند علیرغم سقوط و شکست استراتژیک، ایدئولوژیک، سیاسی و اخلاقی به بازیهای فریبکارانه ادامه دهد.

در این مبحث ابتدا عواملی که باعث شد این سازمان به سرنوشت امروز گرفتار آید و مانند رژیم انحصار طلب جمهوری اسلامی مورد نفرین قرار گیرد بعنوان تجربه تاریخ تیتروار بیان می‌کنم و سپس به نکاتی در همین رابطه اشاره کرده در فرصتهای آینده به توضیحات مفصل تری می‌پردازیم.

۱- وجه اشتراک با رژیم ملاحا در حمل ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی نوع و لایت فقیه که رهبر این سازمان مدعی آن است.

۲- جزمیت گروهی و ترجیح منافع و مصالح سازمان و رهبری آن به همه چیز و به همه شئون اخلاقی اجتماعی

۳- استفاده از هر وسیله‌ای (بدون استثناء) برای رسیدن به قدرت سیاسی (حکومت)

۴- فرصت طلبی، این الوقت بودن "سیاست تغار"

۵- پشت پا زدن به رقیبان مدرک سازی و فحاشی نسبت به اپوزیسیون داخل و خارج کشور معرفی نمودن همگان بعنوان ایادی رژیم

۶- تمام خواهی، تز شکست خورده یا همه چیز یا هیچ چیز

۷- آنارشیزم و حرکت‌های خود بخودی

۸- عدم اعتماد، تحقیر و بدبینی نسبت به مردم

۹- عدم صداقت، دروغ گویی و دورنی تا لایه‌های مرکزی درون سازمان

۱۰- رده پرستی و دامن زدن به آن بعنوان یک ابزار فریبکارانه و استثمار

۱۱- ایزولاسیون و جدانشدن کامل از توده مردم که الزاماً انحرافات دیگر را ببار آورد

۱۲- شستشوی مغزی و یک بعدی بار آوردن افراد سازمان، عوام پروری و تبدیل افراد به پیچ و مهره

۱۳- استراتژی پناه گرفتن در پشت ارتش عراق

۱۴- براه انداختن انقلابات ایدئولوژی یک ازدواج های مسعود رجوی با خانم فیروزه، مریم عضدانلو و قبل از آنها اشرف ربیعی و

۱۵- طلاق‌های عمومی اجباری، متلاشی کردن خانواده‌ها و سرنوشت کودکان در خارج کشور

۱۶- استثمار مضانف زن

۱۷- انحراف و سوء استفاده رذیلانه از مسئله جنسیت

۱۸- تلاش‌های مکارانه در سوء استفاده از پرچم ایران و فریب دادن بعضی خوانندگان

۱۹- دایر کردن زندان و شکنجه

۲۰- خودکشی‌ها و مرگ‌های مشکوک، سر به نیست کردن‌ها، مرض‌های روانی

۲۱- جنایات رمادی، پلیس مخوف عراق

۲۲- استفاده از مسائل روانی و ایجاد جو شور انگیز (دایره قطور تبلیغات درونی)

۲۳- شرکت در سرکوب خلق کرد عراق

۲۴- دربیوزگی به آستان امریکا و اسرائیل و...

۲۵- تحلیلهای نادرست و فرمولهای کشکی و نیز بسیاری موارد دیگر.

توضیح اجمالی :

در نتیجه حرکت‌های سطحی، کور و ساده‌سازانه و بی‌حاصل رهبری مجاهدین، این جریان هر روز با مردم و دیگر نیروهای اپوزیسیون فاصله بیشتری گرفت. پایگاه اجتماعی خود را از دست داد و سرانجام به یک باند تبهکار و عاملی در خدمت ارتش عراق تبدیل گردید و سوخت.

هر روز به ماجراجوئی‌های غیر منطقی تازه روی آورد تعداد بسیار زیادی از جوانان آزادیخواه و وطن دوست را متأسفانه توسط رژیم دیکتاتوری اسلامی هم تبارش به کشتن داد.

با این ماجراجوئی‌های غیره مستولانه باعث سنگین تر شدن جو اختناق در جامعه تحت حاکمیت آخوندها و شیر کردن این رویه صفتان مکار و در نتیجه پاسیو نمودن مردم از صحنه مبارزات واقعی و به محاق رفتن اعتراضات آنها که در این حال با القاء این اندیشه نادرست توأم بود گر اینکه سازمان بدون کمک مردم قادر به سرنگونی رژیم بود.

رجوی از حرکات کانگستری طرفی نسبت به خارج از کشور گریخت و سرانجام به ارتش عراق پیوست که در حال جنگ با رژیم جمهوری اسلامی بوده و به تبع بر سر مردم و مناطق مسکونی بمب می ریخت. باتشکیل گروه نظامی عملاً به بخش فارسی ارتش عراق تبدیل شد و در این ورطه محک تاحد همکاری در سرکوب خلق کرد عراق دوشا دوش گارد ریاست جمهوری پیش رفت و رهبر مجاهدین آقای رجوی از دیکتاتور عراق مدال رافدین و خودروی جیب دریافت کرد. این مدال را صدام به وفادارترین گماشتگان خود اعطاء میکند.

حرکت‌های آواتاریستی همانطور که ذکر گردید باعث شد که این سازمان تماماً پایگاه خود را در داخل میهن از دست دهد و به مرض سکتاریسم در کسوت یک فرقه بسته شبه مذهبی گرفتار شود و به روش‌های بهت انگیز راست روانه ویا چپ نمایانده محتواناً راست و ضد دمکراتیک، بی ثبات و پاندولی مبتلا شود. این عقوبت به نظر من قبل از هر عامل و هر گناه دیگری مجازات اندیشه‌های قیم مابانه، دکماتیستی، تک روانه، ویژه سازمان، دو رویانه، نخوت‌بار، ضد دمکراتیک، فرصت طلبانه، سطحی و ولایت فقیه‌ی چنانکه رهبری این فرقه مدعی آن است، می باشد بطور مثال این سازمان خود را توك پیکان تکامل می نامد و یا دمکرات‌ترین جریان موجود جهان .

در حالی که سر زندان بان محسن رضانی در زندانی بنام دانشکده با خشم دندانپایش را به هم می سانید و با مشت کره کرده خطاب به تعدادی از منسجمین سازمان که به قطع آب و برق و هواخوری اعتراض کرده بودند بانثار فحش‌های رکیک می گوید. بروید کم شوید بامشت دندانپایتان را خرد می کنم نسبت ناروای زندان و بد رفتاری به ما ندهید، از ما دموکرات تر در دنیا وجود ندارد، ما با رژیم دجال و جلا و ... خمینی در حال جنگ هستیم و شما هم‌تان مزدوران و پاسداران رژیم هستید. اگر برادر (مسعود رجوی) اجازه دهند همین جا شما را دفن می کنیم .

امام اول مجاهدین به اعمال ضد اخلاقی نظیر ایجاد فتنه و نفاق در بین خانواده‌های عضو سازمانش که در درون سیم خاردار های تو اندر تو گرفتار شده‌اند میپردازد.

و طبیعی است که با انواع حربه‌های دجالکرانه، سیاست چماق و حلوا، مظلوم نمایی، پیش کشیدن کارت مبارزه با رژیم خمینی، تهدید، شستشوی مغزی، اصرار مداوم، تشکیل جلسات فشرده چندین روزه و با نهایت سوء استفاده از شرایط مکانی خاص عراق و در آنجا چهار دیواری قلعه حسن صباحی این نقش ناجوانمردانه و شیطانی در موارد زیادی عملی شود. با صدور اعدام‌های تعلیقی برای منسجمین و دایر کردن زندانهای متعدد، زندان سردار، دانشکده، السققات، زندان H، زندان دبس و زندانهای معروف به قبر و قفس به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر و طول ۲ متر و شکنجه و آزار متمادین و بسیاری اعمال از این دست حتی از رژیم پوسیده جمهوری اسلامی هم تبارش پا را در اهانت به عرفهای اجتماعی و جسارت به مردم شریف ایران فراتر نهاد و بدین ترتیب تقدیر تاریخی خود که همانا مهر بطلان بر موجودیت حقیرش بوده رقم زد. در بحث‌های آینده به تفصیل به بزه کاریهای آخوند رجوی و مکانیزمهای دستگاه‌اش میپردازیم .